



بازماندن از تحصیل؛ پیامد فقر و نابرابری های آموزشی

در تحقیق جدیدی که توسط محققان ایرانی انجام شده است، ابعاد اجتماعی و فرهنگی پدیده ای بررسی شده که سال هاست...

در تحقیق جدیدی که توسط محققان ایرانی انجام شده است، ابعاد اجتماعی و فرهنگی پدیده ای بررسی شده که سال هاست ذهن سیاست گذاران آموزشی و خانواده ها را درگیر کرده و پیامدهای آن فراتر از مدرسه ادامه می یابد. این پدیده، بازماندن از تحصیل است.

به گزارش ایسنا، در سال های اخیر، بازماندگی تحصیلی به عنوان یکی از مهم ترین مسائل اجتماعی و فرهنگی ایران مطرح شده است. گزارش های مختلف نشان می دهند که بخشی از کودکان و نوجوانان به دلایل گوناگون از چرخه آموزش رسمی خارج می شوند و فرصت ادامه تحصیل را از دست می دهند. این مسئله تنها به معنای نرفتن به مدرسه نیست، بلکه اغلب به بی سواد یا کم سواد در بزرگسالی منجر می شود و پیامدهای آن در حوزه های اشتغال، سلامت، مشارکت اجتماعی و کیفیت زندگی نمایان می شود. همه گیری کرونا نیز در سال های اخیر این وضعیت را تشدید کرد و باعث شد تعداد بیشتری از دانش آموزان، به ویژه در مناطق محروم، از تحصیل بازمانند. از این رو، بازماندگی تحصیلی امروز به یکی از نشانه های مهم نابرابری اجتماعی در کشور تبدیل شده است.

اهمیت پرداختن به این موضوع از آن جاست که آموزش، فقط انتقال دانش نیست، بلکه ابزاری اساسی برای توانمندسازی افراد و تحقق توسعه پایدار به شمار می رود. پژوهش ها نشان می دهند بی سواد و کم سواد هم می تواند علت شکل گیری آسیب های اجتماعی باشد و هم عاملی که این آسیب ها را تداوم می بخشد. نابرابری های آموزشی، که در قالب تفاوت طبقاتی، جنسیتی، قومی و جغرافیایی بروز می کنند، دسترسی برابر به فرصت های یادگیری را محدود می سازند. در جامعه ای مانند ایران با تنوع قومی و زبانی بالا، این نابرابری ها پیچیده تر می شوند. تفاوت زبان مادری با زبان رسمی آموزش، فقر اقتصادی، یا باورهای فرهنگی، همگی می توانند مسیر تحصیلی کودکان را تحت تأثیر قرار دهند و خطر ترک تحصیل را افزایش دهند.

در همین زمینه، علی روحانی، دانشیار جامعه شناسی در گروه جامعه شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد، به همراه سه نفر از همکاران دانشگاهی خود، پژوهشی را درباره بازماندگی تحصیلی در ایران انجام داده اند. این پژوهش با تمرکز بر مرور و ترکیب نتایج مطالعات پیشین، تلاش کرده تصویری جامع از عوامل مؤثر بر این پدیده ارائه دهد. محققان در این مطالعه، به بررسی ریشه های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بازماندگی تحصیلی پرداخته اند و نشان داده اند که این مسئله حاصل یک عامل واحد نیست، بلکه نتیجه تعامل چندین عامل در سطوح مختلف زندگی دانش آموزان است.

در این مطالعه، مقالات علمی منتشرشده طی سال های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱ مورد بررسی قرار گرفتند. از میان ده ها مقاله شناسایی شده، در نهایت ۲۰ مقاله که از نظر موضوعی و روش شناختی مناسب بودند، برای تحلیل نهایی انتخاب شدند. محققان با استفاده از یک مدل شناخته شده علمی، تلاش کردند الگوهای مشترک، عوامل تکرارشونده و تجربه های زیسته دانش آموزان بازمانده از تحصیل را استخراج کنند تا به درکی عمیق تر از مسئله برسند.

یافته های این پژوهش نشان می دهند که بازماندگی تحصیلی در ایران تحت تأثیر شش عامل اصلی قرار دارد. نابسامانی خانوادگی، مانند طلاق، اعتیاد والدین یا نبود نظارت کافی، بیشترین نقش را در ترک تحصیل دارد. در کنار آن، موانع اقتصادی، نابرابری های آموزشی، انزوای اجتماعی، انگ های فرهنگی و تفاوت های فردی مانند کاهش انگیزه نیز به عنوان عوامل مهم شناسایی شده اند. این نتایج نشان می دهند که مشکلات فردی دانش آموزان اغلب در بستر شرایط نابرابر اجتماعی شکل می گیرد و نمی توان آن ها را جدا از محیط خانواده و جامعه تحلیل کرد.

در جمع بندی نتایج، محققان تأکید می کنند که بازماندگی تحصیلی نتیجه یک روند پیچیده و چندبعدی است. فقر اقتصادی، نابرابری های قومی و جنسیتی، کمبود امکانات آموزشی و جو نامناسب مدارس، همگی در کنار هم احتمال ترک تحصیل را افزایش می دهند. این پژوهش با تکیه بر دیدگاه های جامعه شناختی نشان می دهد نظام آموزشی، اگرچه به ظاهر بی طرف است، اما در عمل می تواند نابرابری های موجود در جامعه را بازتولید کند، به ویژه زمانی که از دانش آموزان با پیشینه های متفاوت انتظار عملکرد یکسان وجود دارد.

اطلاعات تکمیلی این مطالعه نیز بر اهمیت عدالت آموزشی تأکید دارند. فرصت آموزشی برابر به این معناست که همه کودکان، بدون توجه به وضعیت اقتصادی، محل زندگی یا پیشینه فرهنگی، امکان دسترسی به آموزش باکیفیت را داشته باشند. یافته های این تحقیق که در فصلنامه «مسائل اجتماعی ایران» وابسته به دانشگاه خوارزمی منتشر شده اند، نشان می دهند که دانش آموزان بازمانده از تحصیل اغلب از خانواده هایی با سرمایه فرهنگی پایین می آیند؛ خانواده هایی که والدین آن ها بی سواد یا کم سواد هستند و توانایی کمتری برای حمایت تحصیلی دارند. تفاوت زبان مادری با زبان رسمی آموزش نیز در سال های ابتدایی تحصیل می تواند یادگیری را دشوارتر کند و احساس ناتوانی را در کودکان تقویت کند.

از منظر سیاست گذاری، این پژوهش پیشنهاد می کند که کاهش بازماندگی تحصیلی نیازمند اقدامات هدفمند است. حمایت مالی از خانواده های کم درآمد، شناسایی زود هنگام دانش آموزان در معرض خطر ترک تحصیل، کاهش هزینه های آموزش، تقویت مشاوره های تحصیلی و بهبود زیرساخت های مدارس در مناطق محروم، از جمله راهکارهایی هستند که می توانند اثرگذار باشند.

همچنین به اعتقاد مجریان این تحقیق، برنامه های آگاهی بخشی برای مقابله با باورهای فرهنگی محدودکننده، به ویژه در مورد

